

مقایسه تطبیقی بانکداری و کالتی و مشارکتی و ارائه راهکاری جدید

احمد شعبانی* / سجادسیفلو**

چکیده

از مهم‌ترین اهداف عملیاتی بانکداری اسلامی تجهیز منابع بانکی به خصوص سپرده‌های مدت دار بر اساس مبانی اسلامی است. تجهیز سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌های متعارف بر پرداخت بهره به آنها استوار است. با توجه به حرمت ربا، جایگزین بانکداری اسلامی برای این محصول، سپرده‌های سرمایه‌گذاری است. بانک‌های اسلامی در عملیاتی نمودن این نوع از حساب‌ها عموماً از دو الگو بهره می‌برند. یک الگو، الگوی منحصر بفرد و کالتی است که در جمهوری اسلامی ایران و در قالب قانون عملیات بانکی بدون ربا کار می‌کند. الگوی دیگر، الگوی مشارکتی است که در اغلب کشورهای دیگر اجرا می‌شود. هر یک از این الگوها، مزایا و معایبی دارند. تحقیق حاضر ضمن نقد و بررسی هر دو الگوی بانکداری بدون ربا در تجهیز منابع سرمایه‌گذاری، الگوی جدیدی ارائه می‌کند که در آن، سعی شده ضمن استفاده از مزایای الگوی مشارکتی، از معایب هر دو الگو مصون باشد. نتایج بررسی نشان می‌دهد با توجه به گنجاندن مزایای الگوی مشارکتی در مدل و همچنین تقویت آن با اوراق انتقال‌پذیر و مهندسی مالی، این الگو کارآمدی بهتری نسبت به الگوی و کالتی و الگوی مشارکتی دارد.

کلیدواژه‌ها: بانکداری بدون ربا، الگوی و کالتی، الگوی مشارکتی، الگوی جدید مبتنی بر مشارکت، اوراق مشارکت، اوراق انتقال‌پذیر.

طبقه بندی JEL: G21, Z12, E40, E50.

ashksadeq@yahoo.com

seiflou@isu.ac.ir

* استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

** کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

مقدمه

بانکداری اسلامی به عنوان با سابقه‌ترین نماد تأمین مالی اسلامی، روش مشارکت در سود و زیان را به جای نظام ربوی، اساس کار خود قرار داده است. هرچند اساس تأمین مالی اسلامی مشارکت در سود و زیان است، ولی الگوهایی که بانک‌های اسلامی در عملیاتی کردن آن به کار برده‌اند، متفاوت است. در قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار طبق رابطه حقوقی «وکالت» پذیرفته می‌شوند. این الگو به اختصار الگوی «وکالتی» نامیده شده است. در سایر کشورها و بانک‌های اسلامی، الگوی دیگری در حال اجراست که به اختصار الگوی «مشارکتی» نامیده شده است. هرچند دقیقاً رابطه حقوقی به کار گرفته شده در این نوع حساب‌ها «شرکت» نیست و بیشتر این حساب‌ها مضاربه‌ای است.^۱

گذشت بیش از ۲۵ سال از تصویب و عملیاتی شدن قانون «بانکداری بدون ربا» مجال مناسبی فراهم نموده است تا صاحب‌نظران به نقد و بررسی این قانون پردازند. این قانون در بخش سپرده‌های سرمایه‌گذاری، که اصلی‌ترین منابع بانک اسلامی است، از عقد «وکالت» بهره برده است. مطابق مواد سه تا شش قانون «بانکداری بدون ربا»، بانک‌ها سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را در قالب حقوقی عقد «وکالت»، از صاحبان آنها پذیرفته، در جایگاه وکیل سپرده‌گذاران، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف، جعاله و تنزیل^۲ به کار می‌گیرند. بانک‌ها می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا بیمه نمایند و منافع حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد، متناسب با مدت و مبلغ سپرده، با رعایت سهم منابع بانک پس از کسر هزینه‌ها و حق‌الوکاله، بین صاحبان سپرده تقسیم کنند.

در الگوی «مشارکتی»، عملاً سپرده‌گذار شریک بانک می‌شود. البته منظور از شریک و مشارکت معنای عام آن است و منظور صرف عقد شرکت نیست. برای مثال، در برخی بانک‌های اسلامی، به حساب‌های سرمایه‌گذاری «حساب‌های مضاربه‌ای» می‌گویند که این مسئله حکایت از مضاربه‌ای بودن مشارکت دارد. منظور از «مشارکت»، کاری است که

امروزه تحت عنوان «عقود مشارکتی» در مقابل «عقود مبادله‌ای» از آنها یاد می‌شود. البته عمده حساب‌های بانک‌ها بر اساس مضاربه و شرکت تأسیس می‌شود.

پیشینه تحقیق

تحقیقات پیشین عموماً به معرفی، نقد و بررسی دو الگوی مزبور پرداخته و با نگاهی تطبیقی به این دو الگو نگاه نکرده است. علاوه بر این، عموم تحقیقات داخلی، که به بررسی الگوی وکالتی و ارائه راه‌کارهایی برای بهبود وضعیت آن پرداخته، خود را در چارچوب قانون «بانکداری بدون ربا» محصور کرده و سعی نموده‌اند بدون به هم ریختن روابط حقوقی مذکور در این قانون، راه‌کاری برای اصلاح ارائه دهند. و این در حالی است که بانکداری مشارکتی می‌تواند عملکرد بهتری در تجهیز منابع بانکی داشته باشد. این نوع بانکداری می‌تواند، هم به نفع بانک‌داران و هم سپرده‌گذاران عمل کند، و زمینه، یک بازی برد - برد را فراهم کند. بدین روی، این تحقیق ضمن نقد و بررسی هر دو الگو و بیان مبانی نظری آن‌ها، الگوی جدیدی مبتنی بر مشارکت ارائه می‌کند. در ادامه، برخی از تحقیقات مرتبط آورده شده است.

موسویان، در مقاله خود، پس از نقد تجهیز منابع و انواع سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا، به ارائه الگو بر اساس دو فرض پرداخته است که هر دو الگو در قالب عقد «وکالت» شکل می‌گیرد.^۳

حجم تحقیقات مربوط به الگوی مشارکتی در بین تحقیقات داخلی ناچیز است. نصرآبادی، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به دو روش «کتاب‌خانه‌ای» (توصیفی) و «میدانی» به بررسی تخصیص منابع از طریق عقد مشارکت پرداخته است.^۴ در این پایان‌نامه، مبانی فقهی عقد مشارکت، جایگاه آن در قانون «بانکداری بدون ربا» و چالش‌های بانک در اجرای صحیح قرارداد مشارکت بررسی شده است. این پایان‌نامه بر اساس قانون مزبور تنظیم شده و چون در قانون «بانکداری بدون ربا» عقد مشارکت تنها در طرف تخصیص منابع به کار رفته، در این پایان‌نامه، اشاره‌ای به سپرده‌گذاری نشده است. مبانی نظری و الگوهای مربوط به مشارکت در سود و زیان از سوی محققان خارجی مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل، توجهی از سوی محققان خارجی نسبت به الگوی وکالتی وجود ندارد.

محمد نجات/الله صدیقی در کتاب خود، مبانی نظری بانکداری بدون ربای مشارکتی را مورد بررسی قرار داده است.^۵ منطق بانکداری اسلامی و اقتصاد مشارکت در سود، از جمله موضوعاتی است که در کتاب وی بررسی شده است. وی در این کتاب، به تأسیس مبانی نظری بانکداری بدون ربای مشارکتی پرداخته است.

بوعلام بن جیلالی و طارق/الله خان نیز در کتابشان به معرفی روش تأمین مالی مشارکت نزولی پرداخته و چند نمونه کاربردی بیان کرده‌اند.^۶ در این کتاب، به جایگاه این نوع مشارکت در بانکداری بدون ربا اشاره نشده و هیچ نوع مقایسه تطبیقی صورت نگرفته است.

بانکداری و کالتی

نخستین گام در راه حذف بهره از نظام بانکی کشور بر اساس مصوبه سوم دی‌ماه ۱۳۵۸ «شورای پول و اعتبار» برداشته شد و ضمن کاهش نرخ بهره، نام آن در نظام بانکی به «حداکثر کارمزد دریافتی» و «حداقل سود تضمین شده» تغییر یافت. اما چون این اقدامات نمی‌توانست نظام حاکم بر بانکداری کشور را از لحاظ ماهیت تغییر دهد، در اجرای تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰ دولت مکلف گردید که از زمان اجرای این قانون برای حذف ربا و اصلاح نظام بانکی کشور در اسرع وقت مطالعات لازم را انجام و نتایج امر را حداکثر طی شش ماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. بدین سان، «قانون در بانکداری بدون ربا» در جلسه علنی روز سه‌شنبه هشتم شهریورماه ۱۳۶۲ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ دهم شهریور ماه، مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و به منظور اجرا، به دولت ابلاغ گردید.^۷ قانون «بانکداری بدون ربا» با ۲۷ ماده شامل پنج فصل (به ترتیب، با عناوین اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران، تجهیز منابع پولی، تسهیلات اعطایی بانکی، بانک مرکزی ایران و سیاست پولی و متفرقه) است. با اجرای قانون حذف ربا، بانک‌ها می‌توانند به دو طریق از مردم سپرده قبول کنند:

الف. سپرده‌های قرض‌الحسنه به دو صورت جاری و پس‌انداز؛

ب. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

بانک در به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از طرف مردم وکیل است و

می‌تواند این وجوه را در قالب عقود اسلامی به‌کار گیرد.^۸

۱. سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار

«سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار» به آن دسته از سپرده‌هایی اطلاق می‌شود که به قصد کسب سود به بانک سپرده می‌شود. بانک با قبول وکالت از طرف صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری، پس از اختصاص سهمی از آن به عنوان سپرده‌های قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی، بقیه وجوه را در عملیات مجاز بانکی به کار می‌گیرد. بانک همچنین استرداد اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را طبق قرارداد منعقد شده تعهد و یا با هزینه خود بیمه می‌نماید. بانک منافع به دست آمده را پس از کسر حق‌الوکاله خود، در پایان هر دوره به نسبت مدت و مبلغ سپرده، طبق آیین‌نامه و دستورالعمل‌های بانکی، بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کند.^{۱۰۹}

طبق ماده ۱۳ دستورالعمل اجرایی قبول سپرده، در تأمین منابع لازم برای تسهیلات اعطایی (امور مشارکتی) از سوی بانک‌ها، اولویت با منابع سپرده‌گذار است. به استناد تبصره ۳ قانون «بانکداری بدون ربا»، قرارداد مربوط به سپرده‌های مدت‌دار بر رابطه وکیل - موکل مبتنی است و باید در عقود از قبیل مشارکت، مضاربه، معاملات سلف، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، جعاله و سرمایه‌گذاری مستقیم استفاده شود.^{۱۱}

همچنین در تبصره ۲ ماده ۱۴ دستورالعمل مذکور عنوان شده است که بانک‌ها نمی‌توانند به هیچ‌یک از سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده‌ای را از قبل، به عنوان سود اعلام و یا پرداخت نمایند، بلکه سود پرداختی به صورت علی‌الحساب بوده و پس از طی دوره مشارکت به طور قطعی تسویه می‌شود. همچنین طبق ماده ۵ قانون «بانکداری بدون ربا»، تقسیم منافع حاصل از امور مشارکتی بر اساس قرارداد منعقد شده و متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری با رعایت سهم منابع به نسبت مدت و مبلغ، در کل وجوه به کار گرفته شده در این عملیات، صورت می‌گیرد. طبق ماده ۱۵ دستورالعمل اجرایی قبول سپرده نیز سهم سپرده‌گذاران بر اساس مدت و مبلغ سپرده هر یک، بین آنان تقسیم و پس از کسر حق‌الوکاله بانک پرداخت می‌شود.^{۱۲}

۲. نقد و بررسی بانکداری وکالتی

بانکداری بدون ربا در ایران بر اساس ضرورت اسلامی کردن عملیات بانکداری شکل گرفته است. بی‌تردید، سالیان درازی باید بگذرد تا این ایده‌آل در محک تجربه و ارزیابی،

به تدریج قوام یابد و کامل گردد. برخی از اشکال‌های نظام بانکی ناظر به کل فعالیت بانک‌داری بدون ریاست که موضوع این تحقیق نیست؛ البته این اشکال‌ها حتماً در سپرده‌گذاری نیز دخیل است و آن را متاثر می‌کند.^{۱۳} مشکلات پیش‌روی سپرده سرمایه‌گذاری را می‌توان در دو دسته اشکالات فنی و اشکال‌های شرعی طبقه‌بندی کرد. همچنین به دلیل آنکه مسائل پیش‌روی این نوع سپرده‌گذاری، هم می‌تواند معلول به کارگیری رابطه حقوقی وکالت و هم ناشی از عملکرد صنعت بانک‌داری ایران و فضای اقتصاد ایران باشد، مسائل مرتبط با به‌کارگیری عقد وکالت و مسائل اجرایی به طور مجزاً بررسی شده است.

الف. اشکال‌های شرعی ناظر بر عقد وکالت: عملیات تجهیز منابع سپرده‌سرمایه‌گذاری در بانک‌داری وکالتی از طریق عقد وکالت صورت می‌گیرد. عقد «وکالت» اگرچه در بازار کالاها و خدمات، عقد معروف و مرسوم است، اما در امر سرمایه‌گذاری ناشناخته و نامناسب است. در نتیجه، کاربرد آن در معاملات بانکی مشکلات و نواقصی دارد.^{۱۴} در خصوص اشکالات شرعی ناظر بر عقد وکالت، پنج ایراد می‌توان مطرح کرد:

۱- **نامفهوم بودن وکالت بانک برای مشتریان:** نامأنوس بودن عقد «وکالت» در امر سرمایه‌گذاری، متنوع بودن منابع بانک از حیث ماهیت حقوقی و غیر قابل تفکیک بودن وجوه هریک از سپرده‌ها، مشخص نبودن شیوه به کارگیری وجوه هر سپرده‌گذار و عوامل دیگر موجب می‌شود مسئله وکالت در معاملات بانکی از پیچیدگی خاصی برخوردار گردد، به گونه‌ای که گاهی نه تنها مشتری، بلکه کارگزاران بانک نیز از تحلیل حقوقی آن عاجزند.^{۱۵}

۲- **عدم قصد توکیل و دادن نمایندگی:** سپرده‌گذار، دارای قصد توکیل و دادن نمایندگی به بانک، که یک مفهوم عرفی و روشن است، نیست. بنابراین، وکالت مذکور در تبصره ماده ۳ جنبه قراردادی ندارد. حتی اگر هنگام گشایش حساب، سپرده‌گذار نوشته یا برگه‌هایی را امضا کند که در آن متن تبصره مزبور به کار رفته باشد، چنین وکالتی با قصد واقعی سپرده‌گذار و بانک منطبق نیست. عقد تابع قصد است و قانون‌گذار حق تحمیل قرارداد وکالت را به اشخاص ندارد. چنین وکالتی با مواد ۶۵۶ و ۶۵۸ قانون مدنی و اصل «آزادی قراردادها» ناسازگار است.^{۱۶}

۳- عدم رعایت حق نظارت موکل (سپرده‌گذار) بر وکیل (بانک): در قرارداد «وکالت» موکل حق نظارت بر اقدامات وکیل را دارد. این حق تا هنگامی که رابطه وکالت باقی است، ادامه دارد. این حق قابل اسقاط نیست. بنابراین، وکیل موظف است بر خلاف راهنمایی‌های موکل کاری انجام ندهد، و حال آنکه سپرده‌گذاران هیچ‌یک نه به تنهایی و نه گروهی و نه حتی همه آنان حق هیچ نظارت و یا دخالتی در اقدامات و قراردادهای بانک با وام‌گیرندگان ندارند. درست است که بانک در تنظیم قراردادهای وام از همین وجوه سپرده‌گذاران بهره‌برداری می‌کند، ولی بانک قراردادهای خود را اصالتاً امضا کرده، به اجرا می‌گذارد. سپرده‌گذاران، چه هنگام گشودن حساب و واریز وجوه نقدی خود به حساب، بانکدار را طرف اصلی و اصیل در قرارداد تلقی می‌کنند و بانک را در قبال خود متعهد می‌دانند و نه نماینده خود. سپرده‌گذار هیچ‌یک از شروطی را که بانک در برابر اشخاص دیگر تعهد می‌کند، نمی‌پذیرد و این امر بر خلاف نص ماده ۶۷۴ قانون مدنی است که موکل باید تعهداتی را که وکیل پذیرفته است، به اجرا گذارد.

بانک در اقدامات خود و قراردادهایی که با وام‌گیرندگان منعقد می‌کند، تکلیف حساب پس دادن به سپرده‌گذاران را ندارد، و حال آنکه طبق ماده ۶۶۸ قانون مدنی، وکیل باید حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد. از سوی دیگر، تکلیف حساب پس دادن، از ویژگی‌های تصرف امانی است و بانک با قبول سپرده‌ها و تملک آن‌ها، دارای وصف «امانت» - به معنای خاص کلمه - نیست. بانک در این قرارداد به حق، خود را اصیل می‌داند و نتایج این قراردادها را برای خود منظور می‌نماید.^{۱۷}

۴- عدم بطلان وکالت با فوت موکل و عدم رعایت حق تنفیذ ورثه: وقتی سپرده‌گذار شخص حقیقی است، فوت یا عوارض اهلیت او تأثیری در قراردادهای بانک با وام‌گیرنده ندارد. اگر بانک در قراردادهایی که با وام‌گیرندگان بسته است به وکالت از سوی سپرده‌گذاران عمل کرده باشد فوت هر یک از سپرده‌گذاران وکالت بانک را باطل می‌کند (ماده ۶۷۸ قانون مدنی) و تا تنفیذ ورثه، اقدامات بانک دچار اختلال می‌گردد.^{۱۸}

۵- تضمین اصل سپرده‌ها: در بانکداری بدون ربای ایران، اگرچه در ماده ۴ آمده است «بانک‌ها می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا بیمه نمایند» و بانک‌ها

نیز این امکان را عملی کرده‌اند، چنان که در مقررات سپرده‌های سرمایه‌گذاری تصریح شده است: «بانک استرداد اصل سپرده‌ها را تعهد می‌نماید»، اما بر اساس نظریه «وکالت» هیچ‌یک از این دو کار توجیه فقهی و حقوقی ندارد.^{۱۹} اگر سمت بانک حقیقاً وکالت باشد، بر پایه اصول مسلم فقهی و حقوقی، بانک امین سپرده‌گذاران است و در صورتی که تقصیری در عملیات خود نکرده و دچار زیان گردیده یا ورشکست شده باشد و سپرده از بین برود مسئولیتی در برابر سپرده‌گذاران نخواهد داشت.^{۲۰}

ب. اشکالات شرعی ناظر بر اجرا: برخی اشکال‌های شرعی نیز از عملیات اجرایی و سیاست‌های بانکی ناشی می‌شود. در ذیل، سه نمونه مهم از این اشکالات بررسی شده است:

۱. تسهیلات تکلیفی: تسهیلات تکلیفی، که به صورت قانون بودجه هر ساله به تصویب نمایندگان مجلس می‌رسد، نظام بانکی را موظف می‌کند به منظور حمایت از اقشار آسیب‌پذیر یا مؤسساتی که به دلایلی نیاز به حمایت دارند، مبالغی تسهیلات با لحاظ سودی پایین‌تر در اختیار آنان قرار دهد. بانک مرکزی و نظام بانکی در مواجهه با این مسئله، دو مسئولیت اساسی دارد: از یک سو، به عنوان یکی از نهادهای مهم اقتصادی، وظیفه دارد در تحقق اهداف و سیاست‌های کلی نظام تلاش کند. از سوی دیگر، به عنوان امین و وکیل سپرده‌گذاران، مسئولیت دارد سرمایه آنان را در بخش‌هایی که سود مناسبی برای آنها به همراه دارد، به کار گیرد و این دو با هم در تعارض قرار می‌گیرند.^{۲۱}

۲. عدم امکان تفکیک در محاسبه سود سپرده‌ها: با توجه به اینکه منابع بانکی در بانک‌داری بدون ربای ایران از سه نوع سپرده تشکیل می‌شود، لازم است سهم هریک از این سه نوع سپرده در سود مشخص و به صورت مجزاً در ترازنامه‌ها آورده شود تا سهم منابعی که ماهیتی قرضی دارند (سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز و جاری) از منابع وکالتی (سپرده‌های سرمایه‌گذاری) تفکیک شود. با قراردادن لفظ «مصالحه» نمی‌توان به راحتی حکم به امتزاج سه نوع سپرده کرد.

۳. سود علی الحساب:^{۲۲} «سود علی الحساب» وجهی است که پیش از اتمام و به نتیجه رسیدن عملیات سرمایه‌گذاری و حصول و محاسبه و سود قطعی از جانب بانک به

صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود.^{۲۳} موضوعی که در رابطه با پرداخت سود علی‌الحساب مطرح است اینکه پس از قطعی شدن سود، باید ضوابط مندرج در قانون، مبنی بر تسهیم سود به نسبت «منابع بانک» و «سپرده‌گذار» لحاظ شود. در حال حاضر، برای پرداخت سود به سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلند مدت، ماهیانه رقم سود بر اساس مبلغ و مدت سپرده توسط شعبه بانک محاسبه و از محل بدهکاران داخلی تمام شعب در اداره امور مالی تجمیع و مانده آن به حساب سود پرداختی واریز می‌شود. حساب مذکور در دفاتر بانک، ماهیت هزینه دارد و در نهایت، در سود و زیان بانک ارائه می‌شود.^{۲۴}

نکته دیگر در زمینه پرداخت علی‌الحساب، به حساب‌های کوتاه‌مدت عادی مربوط است. با توجه به اینکه به حساب‌های کوتاه‌مدت عادی به صورت روزشمار سود پرداخته می‌شود و ثبات این گونه حساب‌ها گاهی به یک هفته هم نمی‌رسد، بر اساس عقد «وکالت»، پرداخت سود به این گونه حساب‌ها هیچ توجیه شرعی ندارد و مفهوم «سود علی‌الحساب» در خصوص این گونه حساب‌ها بی‌معناست، در حالی که از همان اول، پرداخت سود قطعی از سوی بانک برای سپرده‌گذار تضمین شده است. از این رو، سود علی‌الحساب اعلام شده از سوی بانک‌ها سود قطعی تلقی می‌شود. مسئله پرداخت سود علی‌الحساب علاوه بر اینکه در مشروعیت ذاتی خود، محل سؤال است، زمانی که به عنوان سود قطعی تلقی شود موضوع شبهه دیگری است. چنین تعاملی بخصوص زمانی که بانک‌ها این پرداخت‌ها را در حساب‌های خود به عنوان هزینه وارد می‌کنند، شبهه ربا را به ذهن متبادر می‌سازد.^{۲۵}

در حال حاضر، در نظام بانکی کشور به موجب مصوبه «شورای پول و اعتبار»، نرخ‌های سود علی‌الحساب تعیین و اعلام می‌شود و عملکرد آن هم به گونه‌ای است که سپرده‌گذار از دریافت این سود «مطمئن» است و آن را سود قطعی سپرده خود تلقی می‌کند.^{۲۶}

ح. اشکال‌های فنی ناظر بر عقد وکالت: برخی مسائل فنی که در نظام بانکداری ایران وجود دارد به وکالتی بودن تجهیز منابع سپرده‌های سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود. چهار ایراد فنی ناظر بر عقد وکالت عبارت‌اند از:

۱. عدم قابلیت برای معاملات بین‌المللی و جذب سپرده‌های خارجی: امروزه بانک‌ها ابزار مناسبی برای جذب سرمایه‌های مالی خارجی به شمار می‌آیند. بانک‌ها با گسترش

شعبه‌های خود در کشورهای گوناگون و یا از طریق دریافت حواله‌های خارجی، اقدام به گشایش حساب و جذب وجوه مازاد سپرده‌گذاران خارجی می‌کنند. رابطه حقوقی وکالت در جذب سپرده‌های مدت‌دار بر فرض آنکه برای سپرده‌گذار داخلی از طریق تبلیغ و آموزش قابل فهم باشد، نامأنوس بودنش برای مشتریان خارجی مانع مهمی در جذب سپرده‌ها و گسترش معاملات بین‌المللی بانک‌داری بدون ریاست. در این زمینه، رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید: هنگام تصویب قانون‌ها و تدوین آیین‌نامه‌ها، با امعان نظر بر صورت مسئله، که عمدتاً بر مسائل نظام بانکی داخل کشور اشراف داشت، فرصت پرداختن به این بخش از عملیات پیش نیامد و توجه بدین امر مبذول نگردید که عملیات بانکی بین‌المللی در چارچوب بانک‌داری اسلامی چگونه و به چه شکلی خواهد بود.^{۲۷}

۲. فاصله گرفتن از پیشرفت‌های ابزاری بازارهای پول و سرمایه: در دهه‌های اخیر به طور مستمر پیشرفت‌های مهمی در زمینه کارآمد کردن ابزارها و راه‌های بازار پول و سرمایه رخ داده است. نظریه‌پردازان پولی و مقامات اجرایی نظام‌های بانکی با حرص و ولع تمام، آخرین تحولات را بررسی می‌کنند و با انتخاب الگوی مناسب و مشابه‌سازی، به سرعت آن را در مؤسسات پولی و بانکی خود به کار می‌گیرند. کنار گذاردن نظریه‌های مرسوم (قرض و مشارکت) و اتخاذ نظریه‌ای جدید (نظریه وکالت)، اقتصاددانان و مقامات پولی را از دست‌یابی به روش‌ها و ابزارها جدید، که همه روزه در دنیا عرضه می‌شود، باز می‌دارد.^{۲۸}

۳. عدم قابلیت برای ایجاد بازار ثانویه سپرده‌ها: از جمله مسائل جدی در تخصیص منابع بانک، مراعات اصول سه‌گانه «منفعت»، «امنیت» و «نقدینگی» است. از یک سو، صاحبان سپرده‌های مدت‌دار ممکن است به دلایل گوناگون به بانک مراجعه کرده، وجوه خود را مطالبه کنند و ناتوانی بانک در جواب‌گویی به این مراجعات، ایجاد نااطمینانی برای مشتریان بانک می‌نماید و خسارت غیر قابل جبرانی در پی دارد. از سوی دیگر، اصل «منفعت» اقتضا می‌کند مدیر بانک تا جایی که امکان دارد، منابع بانک را در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری کند و این نیازمند ثبات منابع است. برای مراعات همزمان اصول مزبور، نظریه‌های گوناگونی مطرح گردیده است که هرکدام نواقصی دارد.

جدیدترین نظریه، که در دهه ۱۹۷۰ ابداع شده و به سرعت رو به گسترش است، «استفاده از سپرده‌های انتقال‌پذیر و تشکیل بازار ثانویه برای سپرده‌ها» است که آثار مثبت

زیادی به دنبال دارد. اما در قانون بانکداری بدون ربا، به دلیل حاکمیت رابطه حقوقی «وکالت»، این نظریه کارساز نیست؛ زیرا بر اساس نظریه «وکالت»، تنها راه دسترسی صاحبان سپرده به پول نقد این است که به بانک مراجعه کنند و با فسخ کل یا بخشی از قرارداد، وجوه لازم را دریافت نمایند و در این صورت اولاً، مشتری باید به سود سپرده کوتاه مدت یا بلند مدت یک ساله اکتفا کند و این جریمه سنگینی در حق اوست. ثانیاً، با کاهش ثبات منابع بانکی، کارایی بانکها در تخصیص منابع از بین می‌رود.^{۲۹}

۴- عدم قابلیت برای سیاست پولی: یکی از نقش‌های مهم و اساسی نظام بانکی، که در قانون «بانکداری بدون ربا» (ماده ۲) نیز آمده، تنظیم، نظارت و هدایت گردش پول و اعتبار در اقتصاد است. بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای سیاست پولی، به این امر مهم می‌پردازد و کاراترین ابزار، عملیات بازار باز یا خرید و فروش اوراق قرضه است که به سرعت بر حجم پول و نرخ بهره اثر گذاشته، متغیرهای اساسی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با الغای بهره از نظام پولی و بانکی، اوراق قرضه، که از مصادیق روشن قرض با بهره و ریاست، نمی‌تواند جایگاهی در نظام بانکی داشته باشد. در این شرایط، تشکیل بازار ثانویه برای سپرده‌های مدت دار ممکن بوده بانک مرکزی می‌توانست با وارد شدن در آن بازار، اقدام به خرید و فروش گواهی‌های سپرده کرده، حجم پول و نرخ سود را تنظیم کند. ولی به سبب حاکمیت رابطه حقوقی وکالت این امر از نظر فقهی و حقوقی پذیرفته نیست.^{۳۰}

و. اشکال‌های فنی ناظر بر اجرا: برخی از اشکال‌ها و مسائل فنی، که در نظام «بانکداری بدون ربا» وجود دارد، ارتباطی به وکالتی بودن الگو ندارد و به عملیات بانکداری بدون ربا» مربوط است. در ادامه، سه نمونه از این اشکال‌ها بررسی می‌شود:

۱. کاهش سطح پس انداز به دلیل تحریم کامل نرخ بهره ثابت از پیش تعیین شده: این نگرانی همواره ابراز می‌شود که پیاده کردن نظامی مبتنی بر اصول و موازین اسلامی، که متضمن تحریم کامل نرخ از پیش تعیین شده بهره ثابت برای استقراض است، ممکن است به کاهش سطح پس انداز منجر شود. این ادعا بر اساس مباحث گوناگونی مطرح شده که مهم‌ترین و قابل قبول‌ترین آنها آثار نامساعدی است که بی‌اطمینانی نسبت به نرخ بازده، بر سطح پس انداز می‌گذارد.^{۳۱}

۲. زیان واقعی، نه سود واقعی: تعیین نرخ‌ها به صورت دستوری و عدم واگذاری آن به سازوکار بازار با این استدلال صورت می‌گیرد که آزادسازی نرخ‌ها باعث افزایش نرخ تسهیلات بانکی می‌شود و این تشدید تورم را به دنبال خواهد داشت. این استدلال گرچه موافقان و مخالفان خود را دارد، اما تجربهٔ بیش از سی سال ایران (از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۲) نشان می‌دهد که سیاست موفق‌تری نبوده است. روشن است که با وجود مسائل مزبور، هر قدر زمان بگذرد، نه تنها با پایین نگاه داشتن سود بانکی، تورم کاهش نمی‌یابد، بلکه نهادینه شده و تشدید می‌شود.^{۳۲} نتیجه این اقدامات آن است که بانک‌ها به سپرده‌های مردم نه تنها سود واقعی نداده‌اند، بلکه زیان واقعی نیز پرداخت کرده‌اند.^{۳۳}

۳. عدم پذیرش تصور زیان در حساب‌های پس‌انداز سرمایه‌گذاری توسط مردم: گرچه بانک اسلامی غالباً می‌تواند مقدار سودی را که محقق خواهد شد به دقت پیش‌بینی کند، ولی نمی‌تواند نسبت به آن قطع و یقین داشته باشد؛ زیرا سود، عکس بهره، تضمین‌شده نیست و تحقق آن جز در پایان مدت معلوم نمی‌شود. این رویه به ویژه در خصوص بانک‌های اسلامی که در واگذاری سرمایه‌های خود، به روش بدهی اکتفا نمی‌کنند، صادق است. این بانک‌ها از انواع مختلف مشارکت، مضاربه و سرمایه‌گذاری مستقیم در مستغلات و غیر آن استفاده می‌کنند. مردم نیز هنگامی که اموال خود را در حساب‌های سرمایه‌گذاری قرار می‌دهند، هدفشان دست یافتن به سود در برابر زیان است. ولی تجربه بانک‌های اسلامی خلاف این معنا را نشان می‌دهد و مشتریان نمی‌پذیرند که به آنان گفته شود حساب‌های سرمایه‌گذاری در این سال سود نداشته یا مقداری زیان کرده است، حتی اگر واقع همین باشد.^{۳۴}

بانک‌داری مشارکتی

اصلی‌ترین کسب‌وکار بانک‌داری تجاری، مبادلهٔ وجوه است. برای اینکه بانک‌های اسلامی بتوانند این کسب‌وکار را انجام دهند، باید راه‌هایی را بیابند تا بدون استفاده از قراردادهای معاملاتی که «ربا» و «غرر» را در خود دارند، به مبادلهٔ وجوه بپردازند. خوش‌بختانه قانون قراردادهای اسلامی، انواع متنوعی از قراردادهای برای انجام عملیات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌کند. مفهوم «بانک‌داری اسلامی» مبتنی بر این است که اسلام ربا

را حرام دانسته، ولی قراردادهای تسهیم سود و زیان^{۳۵} را مجاز دانسته است. دو شکل از عملیات تسهیم سود و زیان، که در ادبیات فقهی دیده می‌شود، «مضاربه» و «مشارکت» است.^{۳۶}

بانک‌های اسلامی سعی کرده‌اند در قالب عقود شرعی، به تمام نیازهای مشتریان خود پاسخ دهند. از این رو، تلاش کرده‌اند جایگزین‌هایی در بانکداری اسلامی برای تمام محصولات متعارف بانکی ارائه دهند. استفاده از عقود مشارکتی برای طراحی سپرده‌های سرمایه‌گذاری، الگوی «مشارکتی» بانکداری بدون ربا را شکل داده است.

الف. مفهوم و مبانی نظری «مشارکت در سود و زیان»^{۳۷} (PLS)

تحریم ربا از سوی شریعت اسلام و ممنوعیت استفاده از نرخ‌های از پیش تعیین شده موجب شد مسلمانان نتوانند از روش‌های تأمین مالی متعارف، که عمدتاً مبتنی بر و نرخ‌های از پیش تعیین شده است، استفاده کنند. مسلمانان در واکنش به تحریم ربا و نرخ‌های از پیش تعیین شده، دو راه‌کار اصلی اتخاذ کرده‌اند:

- روش «مشارکت در سود و زیان»

- روش «غیر مشارکت در سود و زیان»^{۳۸}

«مشارکت در سود و زیان»، قراردادی است بین دو یا چند نفر از طرفین معامله که اجازه می‌دهند سرمایه‌شان برای سرمایه‌گذاری در یک فعالیت اقتصادی به طور مشاع به کار گرفته شود و در سود و زیان آن سهیم باشند.^{۳۹} در این قرارداد، نرخ عایدی ثابت از پیش تعیین شده در یک قرارداد مالی با یک نرخ عایدی غیر قطعی جایگزین می‌شود و تنها درصد تقسیم سود بین صاحب سرمایه و کارفرما از پیش تعیین شده است. روش «مشارکت در سود و زیان» معمولاً مبتنی بر دو قرارداد سنتی اسلامی «مضاربه» و «شرکت» است.^{۴۰} می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که «مشارکت در سود و زیان» قرارداد مشخصی نیست، بلکه روشی برای تأمین مالی است که در قالب یکی از دو عقد سنتی اسلامی «مضاربه» و «شرکت» انجام می‌شود.

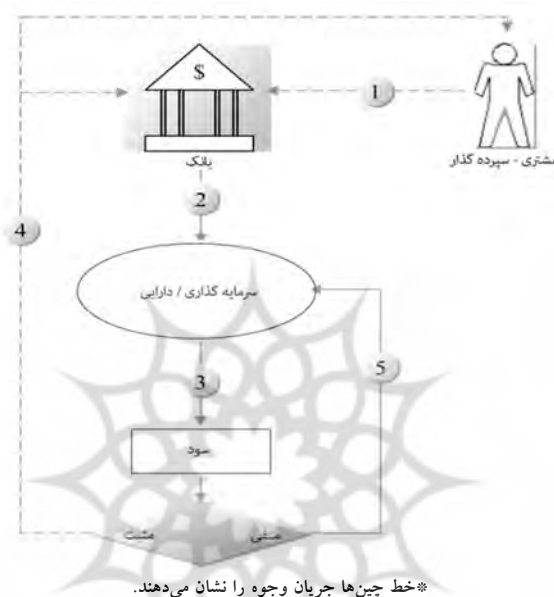
ب. سپرده‌های سرمایه‌گذاری در الگوی مشارکتی

در الگوی مشارکتی سپرده سرمایه‌گذاری مشابه سپرده مدت‌دار در بانکداری متعارف است؛^{۴۱} با این تفاوت که این محصول مبتنی بر مفهوم «مضاربه» است. از این نظر، سپرده

سرمایه گذاری به عنوان سپرده «مشارکت در سود و زیان» یا سپرده مشارکتی نیز شناخته می شود.^{۴۲}

بر اساس میزان اختیار تفویض شده به بانک به عنوان مضارب، چندین نوع سپرده سرمایه گذاری وجود دارد. بانک های اسلامی برای برآوردن نیازها و علائق سرمایه گذاران و مشتریان خود، انواع طرح های سپرده سرمایه گذاری را افتتاح می کنند. مهم ترین انواع این سپرده حساب «سرمایه گذاری عام یا مشترک»^{۴۳}، حساب «سرمایه گذاری ویژه»^{۴۴}، حساب «سرمایه گذاری با مدت محدود»^{۴۵} و حساب «سرمایه گذاری نامحدود»^{۴۶} است.^{۴۷} تمام انواع این سپرده ها از ساختار ذیل تبعیت می کنند.^{۴۸}

نمودار (۱): سپرده های سرمایه گذاری



فعالیت:

۱. بانک و سپرده گذار در باره مفاد قرارداد مضاربه توافق کرده، سپرده گذار وجوهی را برای بانک فراهم می کند.
۲. بانک این وجوه را در دارایی ها و طرح ها سرمایه گذاری کرده، آن را مدیریت می کند.
۳. این سرمایه گذاری سود مثبت یا منفی به بار می آورد.
۴. اگر سود مثبت باشد با توجه به نرخ توافقی قبلی، بین بانک و سپرده گذار تقسیم می شود.

۵. اگر سود منفی باشد سپرده‌گذار متحمل آن می‌شود. اساساً این ضرر، ارزش سپرده و دارایی را که بانک سرمایه‌گذاری کرده است، کاهش می‌دهد.

ج. نقد و بررسی بانکداری مشارکتی

چالش‌های پیش‌روی بانک‌داری بدون ربای مشارکتی شامل طیف گسترده‌ای از عوامل است. برخی عوامل مربوط به شرایط کل اقتصاد است؛ عواملی مانند تورم، رکود، و رونق. برخی عوامل هم تمام فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ولی این عوامل هیچ ارتباطی به نوع بانک‌داری (وکالتی و یا مشارکتی بودن) ندارد. برخی دیگر از عوامل و چالش‌ها نیز، که در متون مربوط به بانک‌داری مشاهده می‌شود، بین تمام الگوهای نظری و عملی بانک‌داری بدون ربا یکسان است.^{۹۹} برخی از عوامل هم وجود دارد که از خاصیت مشارکت ناشی می‌شود. در این قسمت تأکید بر چالش‌هایی است که به دلیل مشارکتی بودن رابطه بانک با مشتریان، متوجه فعالیت‌های بانک است.

۱. نظارت و اطلاعات نامتقارن^{۱۰۰}: نامتقارن بودن اطلاعات هنگامی به وجود می‌آید که بنگاه اقتصادی و یا متقاضیان تأمین مالی، علاقه‌ای به افشای کامل اطلاعات در خصوص هزینه‌ها و درآمدهای حاصل از طرح یا فعالیت اقتصادی در مقابل بانک ندارد.^{۱۰۱} هنگامی که متقاضی تأمین مالی یک طرح یا فعالیت اقتصادی را برای دریافت تسهیلات به بانک معرفی می‌کند خود متقاضی تقریباً اطلاعات کافی و لازم درباره هزینه و بازدهی آن در اختیار دارد؛ یعنی ابتدا طرح مورد نظر را ارزیابی می‌کند و با توجه به امکانات و توانایی‌های خود، آن را به بانک معرفی می‌نماید. در مقابل، بانک از این اطلاعات به مقدار کافی برخوردار نیست و شناخت کافی نسبت به هزینه و بازدهی فعالیت اقتصادی ندارد. در این حالت، بانک علاوه بر هزینه‌های مربوط به نظارت، با دو مشکل «انتخاب نامساعد» و «خطر اخلاقی» مواجه است.

در صورتی که در قرارداد «مشارکت»، بانک به عنوان یکی از شرکا، بخواهد طی مدت انجام فعالیت اقتصادی، نظارت مستمر داشته باشد، لازم‌هش اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت در طول مدت اجراست. اطلاع یافتن از جزئیات فعالیت از طریق فرستادن ناظر در مدیریت و اجرای فعالیت اقتصادی و یا تدبیر روشی برای انجام این عمل امکان‌پذیر است.

با توجه به اینکه بانک با قراردادهای مشارکت زیادی مواجه خواهد بود، در نتیجه برای هر یک از آنها باید همین روش را در پی گیرد. بنابراین، هزینه‌های مربوط به نظارت برای بانک به گونه‌ای قابل توجه افزایش خواهد یافت.^{۵۲} بر اساس برخی از مطالعات صورت گرفته این مسئله مشخص شده است که به کارگیری وجوه در قراردادهای مبتنی بر مشارکت در منافع، هزینه بالاتری به دنبال دارد. انتخاب یک طرح مناسب برای تأمین مالی آن، نیاز به بررسی و ارزیابی مالی و فنی دارد. معمولاً هزینه این بررسی و ارزیابی از قرار دادن بازده ثابت برای وجوه بیشتر می‌شود.^{۵۳}

انتخاب نامساعد:^{۵۴} زمانی که متقاضیان زیادی با ارائه طرح فعالیت‌های اقتصادی گوناگون و تقاضای تأمین مالی از طریق قرارداد «مشارکت»، به بانک مراجعه کنند و هر یک از متقاضیان مدعی بازدهی فراوان و یا معقول نسبت به طرح خود باشد، در این هنگام با توجه به محدودیت منابع، بانک دو راه پیش روی خود دارد:

۱. به ارزیابی تک تک طرح‌ها پردازد و پس از آن طرح‌هایی را که احتمال بازدهی بیشتر و ریسک کمتر دارد انتخاب کند، که این کار برای بانک، هم زمان‌بر است و هم هزینه زیادی به دنبال خواهد داشت.

۲. با توجه به اظهار نظرات متقاضیان و بررسی اجمالی طرح‌های آنان، به انتخاب طرح‌ها پردازد و برخی از آنها را تأمین مالی نماید، که در این حالت، با مسئله «انتخاب نامساعد» روبه‌رو خواهد شد.

مسئله «انتخاب نامساعد» زمانی به وجود می‌آید که متقاضیان تأمین مالی، توانایی‌ها و نیز سوابق کاری خود را هنگام ارائه طرح اقتصادی پنهان کنند.^{۵۵} به عبارت دیگر، ممکن است بازدهی طرحی که متقاضی ارائه می‌دهد قابل توجه باشد، ولی متقاضی توانایی انجام فعالیت اقتصادی را به طور صحیح نداشته باشد و بانک با زیان و یا سود اندک مواجه شود. **خطر اخلاقی:**^{۵۶} مسئله دیگری که از عدم تقارن اطلاعات ناشی می‌شود، خطر اخلاقی است. مشکل خطر اخلاقی به پس از انعقاد قرارداد و انتهای فعالیت شرکت مربوط بوده و آن هنگامی است که متقاضیان تأمین مالی فعالیت‌ها و عمل خود را در اجرای طرح پنهان می‌کنند.^{۵۷}

وقتی متقاضی بدون نظارت بانک (به عنوان شریک دیگر) فعالیت اقتصادی را به اتمام برساند و در انتها، برای تسویه حساب و تقسیم سهم هر یک از شرکا موظف به ارائه گزارش فعالیت‌های خود باشد، در این هنگام احتمال دو انحراف وجود دارد: یکی اینکه در ارائه گزارش سود و زیان، هزینه‌های طرح را بیش از مقدار واقع نشان دهد، و دیگر اینکه سود حاصل از فعالیت را کمتر از واقع گزارش دهد. هر دو حالت موجب کاهش سود بانک خواهد شد.

این مشکل هنگامی برای بانک بروز خواهد کرد که بخواهد بنا به ماهیت قرارداد «مشارکت»، در انتهای فعالیت اقتصادی، به تقسیم سهم هر یک از شرکا اقدام نماید. از سوی دیگر، به علت فراوانی قراردادهای مشارکت و متعاقباً لزوم هزینه زیاد برای نظارت، امکان حضور و نظارت هریک از قراردادها وجود نداشته باشد.

از جمله مهم‌ترین چالش‌های بانک در اجرای قرارداد «مشارکت»، این است که اگر بخواهد به نحو صحیح، قرارداد مشارکت را اجرا نماید، یا باید در همه قراردادهای حضور و نظارت کافی داشته باشد، که هزینه زیادی را متوجه بانک خواهد کرد و یا اگر بخواهد متقاضی را به عنوان اداره‌کننده شرکت انتخاب کند در انتهای فعالیت، با مشکل «خطر اخلاقی» مواجه خواهد بود.

۲. تغییر شرایط اقتصادی و ریسک بازار: گاهی بانک به اجرای صحیح قرارداد مشارکت مبادرت می‌ورزد؛ متقاضی (به عنوان شریک دیگر) نیز به تعهدات خود به شایستگی عمل می‌کند، ولی به علت تغییر شرایط اقتصادی از قبیل تورم، نوسان قیمت کالای خاص، و رکود، که به عنوان عوامل برون‌زا مطرح است، زیان‌های احتمالی را متوجه بانک می‌نماید.^{۵۸}

در شرایطی که نوسان نرخ تورم وجود داشته باشد و بانک به همراه متقاضی به فعالیت خاصی از جمله تولید یا تجارت کالای خاص اقدام کند و در زمان انتهای فعالیت شرکت، قیمت آن کالا به علل گوناگون کاهش یابد و یا اصلاً به علت وجود کالای جانشین، قیمت و تقاضای آن کالا کاهش پیدا کند در این حالت، کل فعالیت شرکت با زیان مواجه خواهد شد، و اگر بانک منابع زیادی را در این فعالیت و یا فعالیت‌های مشابه به کار گیرد با احتمال از بین رفتن منابع مواجه می‌شود که از آن به «ریسک ورشکستگی» تعبیر می‌شود.

وقوع «ریسک ورشکستگی» در دوران رکود اقتصادی نیز ممکن است. زمان رکود، فعالیت اقتصادی مورد نظر در قرارداد «مشارکت» نیز با عدم بازدهی و یا بازدهی اندک مواجه خواهد شد.^{۵۹}

۳. تأمین منابع لازم برای قراردادهای مشارکت: با توجه به ویژگی‌های قرارداد «مشارکت»، که سود و زیان آن تا انتهای مدت قرارداد نامعین است و به نوعی، «نااطمینانی» در باره این قرارداد وجود دارد، آیا بانک می‌تواند حسابی را برای قرارداد «مشارکت» در نظر بگیرد و از وجوه سپرده‌گذارانی که حاضر به پذیرش شرایط این قرارداد هستند، برای تأمین منابع آن استفاده نماید؟ به عبارت دیگر، آیا بانک می‌تواند منابع مالی را برای قرارداد مشارکت تجهیز نماید؟ در این حالت، به سبب وجود نااطمینانی و ریسک در فعالیت‌های مشارکتی، ممکن است سپرده‌گذاران کمتری حاضر به سپرده‌گذاری در این حساب‌ها باشند.

۵- الگوی جدید مبتنی بر مشارکت

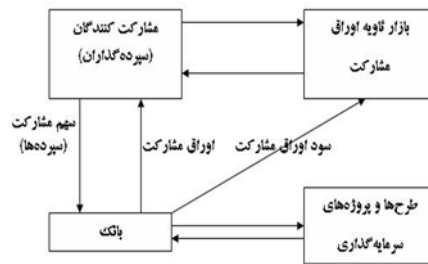
الگوی پیشنهادی دارای خمیرمایه اصلی مشارکت است که با استفاده از نوآوری اوراق بهادار انتقال‌پذیر تقویت شده است. بانک سپرده‌گذاران و بازار ثانویه (اوراق بهادار انتقال‌پذیر) سه رکن اصلی این الگو هستند. این سه در تعامل با یکدیگر، الگوی پیشنهادی مبتنی بر مشارکت را تشکیل می‌دهند. این الگو می‌تواند عمده اشکال‌های موجود در نظام بانکی را حل کند. اصلی‌ترین و شاخص‌ترین خاصیت این الگو اضافه شدن انتقال‌پذیری و ارتباط دادن سپرده‌گذاری در بانک با بازار ثانویه است. تغییر اساسی دیگر در الگوی پیشنهادی نسبت به دیگر الگوهای مشارکتی، جای‌گزینی «شرکت» به جای «مضاربه» است. در این الگو، سعی شده است ضمن استفاده از مزایای الگوی مشارکتی و اجتناب از معایب آن، مشکلات و ایرادهای ناظر بر بانک‌داری و کالتی نیز برطرف شود.

الف. ساختار الگوی پیشنهادی

نمودار (۲) ساختار الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌شود، بانک اسلامی در ازای سپرده‌های سپرده‌گذاران، اوراق مشارکت صادر می‌کند. این اوراق خاصیت انتقال‌پذیری دارد؛ یعنی پس از انتشار اوراق مشارکت توسط بانک،

دارندگان اوراق مشارکت (سپرده گذاران حساب‌های مشارکتی) می‌توانند آن را در بازار ثانویه خرید و فروش کنند. آنها می‌توانند با توجه به عملکرد بانک صادر کننده اوراق و سود مورد انتظار طرح‌های بانک مذکور، سود اوراق خود را در هر لحظه دریافت کرده، اوراق را منتقل نمایند. بانک نیز منابع حاصل از انتشار اوراق مشارکت را در طرح‌های گوناگون سرمایه‌گذاری می‌کند. در پایان سررسید، سود اوراق توسط بانک به دارندگان آن تحویل می‌شود.

نمودار (۲): ساختار الگوی پیشنهادی



در این الگو، بانک می‌تواند یکی از شرکا و سپرده گذاران حساب‌های مشارکتی باشد که با منابع بانکی، که در اختیار دارد، در این حساب‌ها مشارکت کند. همچنین بانک می‌تواند عامل شرکت باشد؛ به این معنا که فعالیت‌های مربوط به مشارکت، اعم از پذیره‌نویسی، توزیع سود، سرمایه‌گذاری و سایر اقدامات را عهده‌دار شود. این دو نقش مانع‌الجمع نیست و بانک اسلامی می‌تواند هر دو نقش را همزمان عهده‌دار شود.

در خصوص نقش سپرده گذار، بانک نیز همانند سایر سپرده گذاران است. تمام حقوقی را که سپرده گذاران، اعم از انتقال اوراق، دارند، بانک نیز داراست. از این لحاظ، تفاوتی بین بانک و سپرده گذاران وجود ندارد.

از سوی دیگر، بانک عامل شرکت است. نقش اختصاصی بانک در سامان‌دهی سپرده‌های مشارکتی را می‌توان متوجه این نقش بانک دانست. بانک باید اوراق مشارکت را صادر کند، منابع حاصل از این سپرده‌ها را در فعالیت‌های سودده سرمایه‌گذاری نماید و بتواند انگیزه مشارکت کنندگان را برای ادامه مشارکت جلب نماید. همچنین باید سود حاصل از فعالیت‌های گوناگون را محاسبه و بین دارندگان اوراق توزیع کند.

مسأله دیگری که بانک به عنوان «عامل» با آن مواجه است، نحوه سرمایه‌گذاری وجوه در طرح‌هاست. بانک می‌تواند این مهم را خود به صورت مباشر انجام دهد و یا با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان، سرمایه‌گذاری را به اشخاص ثالث واگذار کند. در هر صورت، بانک باید پاسخگوی خواست سپرده‌گذاران در برآوردن حداقل‌های مربوط به سود توزیعی باشد.

سپرده‌گذاران حساب‌های مشارکتی را می‌توان در واقع سهام‌داران اموال و دارایی‌های شرکت و طرح‌های مرتبط دانست. سپرده‌گذاران تأمین‌کنندگان اصلی منابع لازم برای اجرای طرح‌های بانک هستند. سپرده‌گذاران در ازای تأمین وجوه لازم، اوراق مشارکت دریافت می‌کنند آنها در صورتی که اوراق را در بازار ثانویه به شخص ثالث انتقال نداده باشند، مستحق دریافت سود مشارکت هستند، که درصدی از سود تحقق یافته طرح‌های گوناگون است.

در خصوص سود مشارکت، اگر در قرارداد شرکت در خصوص کیفیت تقسیم سود و زیان توافق خاصی نداشته باشند، سود و زیان به نسبت مال هر یک از شرکا، بین آنان تقسیم می‌شود. اگر سرمایه طرفین مساوی باشد، سود و زیان هم به نسبت مساوی تقسیم می‌شود. اما اگر در قرارداد، کیفیت خاصی را توافق کرده باشند - مثل اینکه سود بر اساس نسبت‌های غیرمساوی تقسیم شود با اینکه سرمایه‌ها مساوی است، یا سود مساوی تقسیم شود با اینکه سرمایه‌ها متفاوت است، اعم از اینکه نسبت بیشتر سود برای کسی باشد که در شرکت کار می‌کند یا بیشتر کار می‌کند یا برای سایر شرکا - در پایان دوره سود بر اساس توافق خاص تقسیم می‌شود.^{۶۰}

در خصوص زیان مشارکت نیز به مقتضای اولی شرکت، سود و زیان بر حسب سرمایه بین شرکا تقسیم می‌شود. مگر اینکه ضمن قرارداد «شرکت» شرط کنند که یکی از شرکا اصل سرمایه شرکای دیگر را تضمین کند. در اوراق مشارکت نیز در مواردی که ناشر اوراق، خود بخشی از منابع مالی طرح را تأمین کرده و به عنوان شریک برای صاحبان اوراق مطرح باشد، می‌تواند ضرر احتمالی طرح و در نتیجه، اصل سرمایه شرکا (صاحبان اوراق) را تضمین کند. اما تضمین سود - به این بیان که ناشر نرخ خاصی از سود را برای شرکا (صاحبان اوراق) متعهد شود - ماهیت اوراق مشارکت را تغییر می‌دهد، آنها را به اوراق قرضه تبدیل می‌کند که این از مصادیق ریاست.^{۶۱}

به مقتضای ماهیت اوراق مشارکت و مالکیت دارندگان اوراق نسبت به طرح موضوع مشارکت، هر نوع سود حاصل از اجرای طرح و هر نوع افزایش در قیمت دارایی‌های طرح و به عبارت دیگر، هر نوع ارزش افزوده در طرح، متعلق به دارندگان اوراق است. برای مثال، وقتی طرحی عمرانی مانند بیمارستان، دانشگاه، سد یا بزرگراه با هزینه معینی در مدت پنج سال به بهره‌برداری می‌رسد، مابه‌التفاوت ارزش طرح با هزینه‌های تحقق یافته بازده اوراق مشارکت است و به دارندگان اوراق تعلق دارد.^{۶۲}

یکی از مهم‌ترین معیارهایی که سپرده‌گذاران در سرمایه‌گذاری منابع مالی خود به آن توجه می‌کنند، قابلیت نقدشوندگی است. در الگوی پیشنهادی، این انگیزه از طریق اوراق مشارکت قابل انتقال مدیریت شده است. در قرارداد «مشارکت»، که بین بانک - به عنوان عامل مشارکت - و سپرده‌گذاران - به عنوان صاحبان سرمایه - منعقد می‌شود بانک متعهد می‌گردد سود مشارکت را در سررسید بر اساس یک نرخ مشخص و متناسب با سرمایه‌ها، توزیع کند. از این‌رو، چنانچه سپرده‌گذاران بخواهند اصل و سود اوراق مشارکت خود را پیش از سررسید مشخص شده در قرارداد دریافت نمایند، باید اوراق مشارکت را در بازار ثانویه و به قیمت بازاری نقد کنند.

این انتقال‌پذیری علاوه بر سپرده‌گذاران، برای بانک‌ها نیز مفید است؛ زیرا بانک‌ها از منابع اثبات‌تر برخوردار می‌شوند. بدین روی، می‌توان انتظار داشت که سود حساب‌های مشارکتی به مراتب بیش از حساب‌های سرمایه‌گذاری در نظام «وکالت» باشد. روشن است که قیمت بازاری این اوراق همبستگی شدیدی با فعالیت و سوددهی طرح‌ها و فعالیت‌های بانک اسلامی مورد نظر دارد و مطابق سازوکارهای بازار و با توجه به سود انتظاری تعیین می‌شود. از این‌رو، بانک‌ها تلاش مضاعفی در به دست آوردن سپرده‌گذاران خواهند داشت؛ به این معنا که سودآوری اوراق مشارکت بانک‌ها اصلی‌ترین عامل ثبات و ادامه مشارکت سپرده‌گذاران با بانک ذی ربط است. اگر سود اوراق مشارکت بانکی بیش از بانک دیگر باشد، طبیعتاً تعداد افرادی که علاقه‌مند سپرده‌گذاری در اوراق مشارکت آن بانک هستند، به مراتب نسبت به بانک‌های مشابه بیشتر خواهد بود. از این‌رو، مدیریت طرح و توجه به سودآوری واقعی، از جمله پیامدهای الزامی الگوی پیشنهادی است.

مسئله اساسی دیگر به قابلیت مبادله^{۶۳} و انتقال‌پذیری^{۶۴} در بازار اوراق بهادار مربوط می‌شود. اسلام مبادله دارایی‌های واقعی را جایز می‌داند و مبادله ابزارهای مالی را، که راه برای عواید سفته‌بازانه و شبه ربا باز می‌کند، جایز نمی‌داند.^{۶۵}

واگذاری اولیه اوراق مشارکت از طرف ناشر، گرچه گاهی با مسامحه تعبیر به «فروش» می‌شود، اما فروش نیست، بلکه مصداق خاصی از عقد «شرکت» است و دریافت‌کنندگان اوراق شرکای آن محسوب شده، به نحو مشاع، مالک طرح و دارایی‌های مربوط به آن محسوب می‌شوند. پس از شروع طرح، متناسب با پیشرفت آن، ارزش دارایی‌های طرح افزایش پیدا می‌کند. و در نتیجه سود دارندگان اوراق زیاده‌تر می‌شود. به دنبال آن، ارزش سهم هر یک از شرکا نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، هر یک از دارندگان اوراق مشارکت می‌تواند اوراق خود را به قیمتی بالاتر از ارزش اسمی بفروشند. این فروش در حقیقت، فروش سهم مشاع از دارایی است و اوراق، سند حاکی از آن دارایی است و به صورت طبیعی، پس از فروش، سود حاصل از اوراق (سود علی‌الحساب و سود تحقق یافته) متعلق به خریدار خواهد بود.^{۶۶}

مطابق ذیل ماده ۲ قانون «اوراق مشارکت»، خرید و فروش این اوراق مستقیماً و یا از طریق بورس اوراق بهادار مجاز است. مطابق ماده ۶، شرکت‌های سهامی عام می‌توانند طبق این قانون، اوراق مشارکت قابل تبدیل یا تعویض با سهام منتشر کنند.^{۶۷} وجود ویژگی‌های قابلیت فروش، و تبدیل و تعویض، اهمیت دو چندان به اوراق مشارکت داده، زمینه را برای ورود و خروج بانک مرکزی و استفاده از آن به عنوان ابزاری برای سیاست‌های پولی فراهم می‌کند.^{۶۸}

ب. مزایای الگوی پیشنهادی

هریک از الگوهای «بانک‌داری بدون ربا»، که در بانک‌های اسلامی و در دیگر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد دارای معایب و مزایایی است. هر روز تلاش‌های علمی برای رفع مشکلات الگوهای گوناگون صورت می‌گیرد. در این زمینه موقعیت‌های قابل ملاحظه‌ای در رفع برخی از مشکلات پیش‌روی نظام‌های بانک‌داری به دست آمده است. الگوی پیشنهادی نیز از این قاعده مستثنا نیست. روشن است که پرداختن به تمام و جزئیات مزایا و مشکلات الگوی پیشنهادی، علاوه بر اینکه به عملیاتی شدن این الگو و

وارد شدن آن در عرصه عمل نیاز دارد، مجال‌گیری می‌طلبد. از این‌رو، در ادامه، برخی از مزایای الگوی پیشنهادی ذکر می‌شود.

۱. **توزیع ریسک:** در تأمین مالی متعارف، ریسک به عهده حرفه‌ای‌ها (متخصصان و کارآفرینان) است. بانک‌ها و مؤسسات مالی در ازای دریافت وثیقه، برای سرمایه‌گذاران وام تهیه می‌کنند. در این نوع تأمین مالی، آنها خود را از انواع مشخصی از ریسک‌ها مانند ریسک‌های مربوط به تولید، بازاریابی و توزیع، دور می‌کنند و ریسکی را که متوجشان است فقط به وثیقه محدود می‌کنند.

یک تولیدکننده همیشه نگران بروز مشکلات پیش‌بینی نشده است. تغییرات آب و هوا، وقوع حوادث غیرمترقبه، به‌کارگیری شیوه‌های جدید تولید، تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان، وارد شدن کالاهای جانشین، تغییر سیاست‌های گمرکی و ده‌ها عامل دیگر، خطرهایی هستند که در نظام بهره متوجه تولیدکننده است و صاحب سرمایه هیچ سهمی در این میان ندارد. در نتیجه، تولیدکنندگان علاوه بر نرخ بهره، درصدی به عنوان نرخ خطر در نظر می‌گیرند، و چنانچه بازدهی طرح‌ها از مجموع نرخ بهره و نرخ خطر بیشتر باشد سرمایه‌گذاری می‌کنند.^{۶۹}

با اجرای مشارکت در سود و زیان، ریسک مبادلات به کلی از طرف تأمین مالی‌کننده به سمت تأمین مالی شونده منتقل نمی‌شود؛ بلکه آنها (تأمین مالی‌کننده و تأمین مالی شونده) ریسک را بین خود تسهیم می‌کنند. در مقابل، تأمین مالی‌کننده نیز در سود حاصل از فعالیت اقتصادی تأمین مالی شونده، سهم می‌شود.^{۷۰}

می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که در تأمین مالی متعارف، ریسک فقط به ریسک نکول یا عدم پرداخت و در نتیجه، ریسک وثیقه‌ارائه شده توسط بدهکار محدود می‌شود. این در حالی است که ریسک فعالیت اقتصادی در تأمین مالی به روش مشارکت در سود و زیان بین تمام شرکا تقسیم می‌شود و فقط عامل فعالیت اقتصادی نیست که تمام ریسک را عهده‌دار می‌شود.

این ویژگی ممتاز در تأمین مالی اسلامی، به درستی در الگوی پیشنهادی لحاظ شده است. در این الگو، سپرده‌گذاران صاحبان طرح‌ها و دارایی‌های شرکت هستند. سود

زیان ناشی از فعالیت‌های شرکت بین تمام مشارکت‌کنندگان توزیع می‌شود. البته بانک به عنوان یکی از شرکا می‌تواند برای ایجاد انگیزه و اطمینان در سایرین اصل سرمایه آنها را تضمین کند.^{۷۱}

۲. جذب شوک‌های اقتصادی: در نظام بهره، صاحبان مؤسسه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاران به نرخ بهره به عنوان یکی از اقلام هزینه، که به صورت برون‌زا برای آنان تعیین می‌شود، نگاه می‌کنند. آنها تنها زمانی اقدام به استقراض می‌نمایند که بازدهی سرمایه بیش از برخی بهره باشد.^{۷۲} در نظام بهره، کارفرمایان و مدیران مؤسسات اقتصادی به امید درآمدها و سودهای انتظاری، برای تأمین دارایی‌های فیزیکی و عینی، به استقراض ربوی روی می‌آورند. با این کار، مؤسسه زیر بار تعهدات از پیش تعیین شده و ثابت می‌رود، که هیچ ارتباطی با درآمدهای واقعی مؤسسه در آینده ندارد. این کار مؤسسه را وارد وضعیت شکننده‌ای می‌کند. با تغییر شرایط اقتصادی (مانند ورود اقتصاد به دوره رکود) و عدم تحقق درآمدهای انتظاری و ورشکستگی و فروپاشی مؤسسات و در نتیجه، ناتوانی آنها در بازپرداخت تعهدات، بحران به بانک‌ها و دیگر مؤسسات اعتباری سرایت می‌کند.^{۷۳}

عدم ارتباط نرخ بهره با فعالیت‌های اقتصادی و تعیین برون‌زای آن برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین عامل شکست نظام بهره در جذب شوک‌های اقتصادی است. بر این اساس تنها فعالان عرصه اقتصاد واقعی هزینه‌مربوط به نرخ بهره را، که بدون توجه به شرایط اقتصادی تعیین می‌شود، عهده‌دار می‌شوند.

می‌توان رمز موفقیت بانک‌داری اسلامی در جذب شوک‌های اقتصادی را در حذف دوگانگی فعالیت‌های اقتصادی واقعی و مالی دانست. در تأمین مالی اسلامی هرگز در ازای پول آتی (نسیه)، پول حال (نقد) ارائه نمی‌شود. تمام روش‌های تأمین مالی اسلامی شامل پول، در یک سمت و کالاها و خدمات در سمت دیگر است. جریان پولی در تأمین مالی اسلامی باید به صورت مستقیم به جریان کالاها و خدمات متصل باشد. ویژگی ارتباط جریان وجوه با اقتصاد و بازارهای واقعی در بانک‌داری اسلامی، سبب می‌شود تأمین مالی اسلامی در جذب شوک‌های اقتصاد واقعی بهتر عمل نماید. بانک‌داری اسلامی تعامل بیشتری با بازار واقعی کالاها و خدمات دارد. از این‌رو، نظام بانکی تعامل بیشتری با

نیروهای بازاری و سازوکار قیمت و عرضه و تقاضا دارد و بنابراین، بهتر می‌تواند نوسان‌ها و شوک‌های اقتصاد واقعی را جذب کند.

در الگوی پیشنهادی، هر نوع تغییر در شرایط اقتصادی به صورت کاهش و یا افزایش در ارزش دارایی‌های شرکت، مستقیماً به دارندگان اوراق مشارکت، که مالک بخشی از دارایی‌های واقعی شرکت (بانک اسلامی) هستند، مربوط می‌شود. مشارکت‌کنندگان در این الگو، با در اختیار داشتن سهمی از اموال و دارایی‌های شرکت، ضمن اینکه از نوسان‌های اقتصادی و بخصوص تورم در امان هستند، در سود حاصل از فعالیت‌ها نیز شریک می‌شوند. در این الگو، منابع از همان ابتدا به کالاهای سرمایه‌ای همچون زمین، ساختمان، کارخانه، ماشین‌آلات یا کالاهای مصرفی کشاورزی، و صنعتی تبدیل می‌گردد و ارزش آنها متناسب با سطح عمومی قیمت‌ها تغییر می‌کند. بنابراین، بانک‌ها نه تنها ارزش واقعی منابع خود را حفظ می‌کنند، بلکه متناسب با سود واقعی کل اقتصاد، که از طریق سرمایه‌گذاری‌های خود به دست می‌آورند، برای صاحبان سپرده، سود واقعی مثبت می‌پردازند.

۳. مدیریت طرح و انگیزه‌های دوطرفه: اگر رابطه حقوقی بین عوامل تولید (کار و سرمایه) به گونه‌ای باشد که یکی از آنها مصون از هر مخاطره‌ای، سهمی از درآمد داشته باشد و عامل دیگر تمام خطر را بپذیرد، به طور طبیعی انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید کم می‌شود. تأمین مالی اسلامی این امکان را فراهم می‌کند که پس‌انداز کنندگان، که پول خود را سپرده‌گذاری می‌کنند، با بانک‌ها در ریسک‌های مربوط به انتخاب سرمایه‌گذاری درست و میزان موفقیت آن شریک شوند. بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی، که سرمایه فراهم می‌کنند، ریسک را با تأمین مالی شوندگان شامل تولیدکنندگان، تجار و مانند آنها تسهیم کنند. تأمین مالی اسلامی با استفاده از نظارت (حاکمیت) شرکتی صحیح این امکان را فراهم می‌کند که سپرده‌گذاران بتوانند در تصمیمات سرمایه‌گذاری بانک‌ها تأثیرگذار باشند. بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز با قرار گرفتن در هیأت مدیره بنگاه‌های اقتصادی تأمین مالی شده، در فرایند تصمیم‌سازی بنگاه سهم می‌شوند.

بنابراین، قابل توجه است که هم ریسک و هم تصمیم‌سازی بین تعداد زیاد و متنوعی از افراد ذی‌ربط توزیع می‌شود. تسهیم ریسک با تسهیم در تصمیم‌سازی متوازن می‌شود.

هنگامی که افراد زیادی در فعالیت اقتصادی حضور و فعالیت داشته باشند، آنها به جای احساس سفته‌بازی، خود را مالک و شریک قلمداد می‌کنند.

الگوی پیشنهادی مبتنی بر «مشارکت» این قابلیت را دارد که مشارکت‌کنندگان بتوانند در تصمیم‌سازی‌های بانک حضور یابند. علاوه بر این حق نظارت برای همه شرکا محفوظ است. بانک مرکزی و سایر نهادهای اجرایی نیز به عنوان حافظان منافع عموم می‌توانند بر فعالیت‌های بانک نظارت داشته باشند.

اگر خطاهای به وجود آمده در نظام «بانک‌داری بدون ربا»ی کنونی در تفهیم مفاهیم به وجود نیاید و سپرده‌گذاران حساب‌های مشارکتی در الگوی پیشنهادی، به درستی در خصوص فرایند کار و نوع و نحوه قرارداد توجیه شوند، احساس مالکیت همواره برای سپرده‌گذاران به وجود خواهد آمد، که این بسیار مهم و ارزشمند است. احساس تعلق به مجموعه شرکت می‌تواند برای فعالیت‌های اقتصادی و بانک اسلامی مفید باشد.

۴. توزیع سود و عدالت توزیعی: در نظام بهره، صاحبان پول (وام دهندگان) به دلیل کنار بودن از تحولات (افت و خیزهای) اقتصاد واقعی، همیشه در طرف برنده قرار دارند. روشن است که در بلندمدت، ثروت و دارایی در طرفی جمع می‌شود که همیشه برنده است. به دنبال انباشت ثروت، سلطه سیاسی و اجتماعی نیز در پی آن خواهد آمد.^{۷۴}

نظام بهره به شدیدترین وجه، به نفع پول‌داران است. در این نظام درآمد حاصل از رشد اقتصادی نه تنها برای رفاه عمومی صرف نمی‌شود، بلکه در اختیار اقلیت قرار می‌گیرد. همچنین نظام مزبور متضمن رشد سرطان‌وار ثروت برخی می‌شود. در این حالت قدرت واقعی در دست افراد پشت پرده متمرکز می‌گردد. این افراد به دلیل ثروت بیکران خود، قدرت سیاسی و نظرات عمومی را به نفع خود تحریف می‌کنند.^{۷۵}

نظام بهره موجب تجمع ثروت و دارایی جامعه در دست یک اقلیت کوچک، در حد یک دهم تا دو دهم خانوارهای جامعه می‌شود و فاصله ثروت بالاترین و پایین‌ترین گروه درآمدی گاه به صد برابر می‌رسد. روشن است وقتی بخش اعظم سرمایه‌های مالی یک کشور در دست چنین اقلیتی قرار گیرد (اقلیت مرفهی که هیچ عجله‌ای در به کارگیری سرمایه ندارد) چگونه می‌توانند با بورس بازی و احتکار سرمایه، هزینه استفاده از پول و

سرمایه را در سطح بالایی نگه دارند و بخش مهمی از تولید ناخالص ملی را هر ساله به خود اختصاص دهند.^{۷۶} رب یازده دلیل برای ناعادلانه بودن بهره ارائه می‌کند.^{۷۷} این در حالی است که در نظام «مشارکت»، به مقتضای شرکت، نتایج فعالیت اقتصادی متوجه صاحبان پس‌انداز و عاملان اقتصادی - هر دو - است. بنابراین، نتایج تحولات اقتصادی در سطح کلان و نتایج فعالیت بنگاه، در قالب سود و زیان بین همه تقسیم می‌شود. این امر موجب گسترش عدالت توزیعی بین عوامل تولید می‌گردد.^{۷۸}

الگوی پیشنهادی در این مقاله به واسطه استفاده از «شرکت»، دارای مزیت عدالت توزیعی مشارکت است، اگر این الگو درست به مرحله اجرا در آید امید است حتی به لحاظ مفهومی نیز «ربا» و «بهره» از جامعه رخت بریندد. طبق الگوی پیشنهادی، بانک به عنوان عامل شرکت در اقتصاد واقعی، حضور دارد و بیش از آنکه یک واسطه‌گر صرف مالی باشد، رفتار یک سرمایه‌گذار و عامل اقتصادی را از خود نشان می‌دهد. همچنین بانک نتایج فعالیت اقتصادی انجام شده را پس از کسر سهم خود، به عنوان عامل، بین تمام مشارکت‌کنندگان تقسیم می‌کند.

۵. امکان استفاده از دستاوردهای علمی بین‌المللی و قابلیت‌های مهندسی - مالی:

«بانکداری بدون ربا» در جمهوری اسلامی ایران، بر اساس الگوی «وکالتی» بنا شده و تا حدی با بانکداری اسلامی، که در سایر کشورهای مسلمان در حال اجراست، تفاوت دارد. از این رو، بانکداری جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه مزیت برقراری ارتباط آسان با سایر بانک‌های اسلامی را از دست داده است، امکان استفاده از دستاوردهای علمی و ابزارهای نوین ابداعی توسط محققان بانکداری اسلامی را نیز ندارد. دستاوردهای بانکداری متعارف نیز به صورتی محدود می‌تواند در این الگو استفاده شود. هرچند محققان و صاحبان اندیشه در درون کشور، حجم نسبتاً وسیعی از ادبیات را در این عرصه تولید کرده‌اند، ولی توجه به این نکته ضروری است که امکان تعاون علمی از این الگو گرفته شده است.

یکی از مزیت‌های الگوی پیشنهادی این است که نوع خاصی از الگوی مشارکت در سود و زیان را ارائه کرده است. این الگو، از یک سو، بانکداری اسلامی رایج در

کشورهای اسلامی را در خود گنجانده است. از سوی دیگر، الگوی مزبور با توجه به ارتباط دادن بازار سرمایه با بانک و وارد کردن اوراق انتقال‌پذیر در بانک‌داری بدون ربا، توانسته است تا حدّ زیادی تأمین مالی متعارف و ابزارهای آن را در اختیار بگیرد. علاوه بر آن، با توجه به ماهیت رقابتی و بازاری الگو، توانسته است تخصص‌هایی مانند مدیریت طرح، مدیریت مالی، مدیریت کسب‌وکار، بازاریابی، ارزیابی‌های اقتصادی، تخصص‌های بازار سرمایه و هزاران تخصص دیگر را به خدمت بگیرد.

با توجه به حجم نسبتاً بالای ادبیات مربوط به تخصص‌های دخیل در این الگو، می‌توان امیدوار بود این الگو بتواند از دستاوردهای علمی روز و تلاش محققان سایر کشورها نیز استفاده نماید. همچنین با توجه به قرابت‌های مفهومی با بانک‌داری اسلامی در سایر کشورها و الگوی «مشارکت» در سود زیان، امکان ایجاد ارتباط با سایر بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی به سهولت بیشتری ممکن خواهد بود و چه بسا در جذب سرمایه‌های خارجی و عملیات بین‌المللی نیز مفید باشد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، دو الگوی بانک‌داری «وکالتی» و «مشارکتی» بررسی شد. با توجه به نتایج بررسی‌ها، الگوی جدیدی ارائه شد که می‌تواند مزیت‌های مشارکت را دربر داشته و از معایب الگوهای «وکالتی» و «مشارکتی» مصون باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به گنجاندن مزایای الگوی «مشارکتی» در الگوی جدید و تلاش برای رفع مشکلات الگوهای سابق، الگوی «مشارکتی» به طور عام و الگوی جدید به طور خاص، در برآوردن نیازهای بانک‌داری بدون ربا کارآمدتر است. علاوه بر این، با توجه به اینکه این الگو می‌تواند همراه و همزمان با الگوی «وکالتی» نیز اجرا شود، می‌تواند راه‌کاری برای خروج از مسائل و مشکلاتی باشد که بانک‌داری بدون ربای جمهوری اسلامی ایران در تجهیز منابع و سپرده‌های سرمایه‌گذاری با آن مواجه است.

اساسی‌ترین نکته در عملیاتی شدن این پیشنهاد، دقت دست‌اندرکاران اجرایی در اجرای صحیح و بی نقص الگوی پیشنهادی است؛ چراکه با وجود قدرت نظری، اگر الگو به

صورت صحیح عملیاتی نشود، بسیاری از مزیت‌های آن از بین خواهد رفت. از این‌رو، یک شروع خوب در اجرایی شدن الگو و استفاده از مزایای بعدی آن ضروری است. این ضرورت به درستی ضرورت مطالعات بیشتر در این خصوص را توجیه می‌کند. بررسی‌های تطبیقی بین الگوی پیشنهادی و الگوهای موجود، می‌تواند از جمله زمینه‌های جدید تحقیقاتی باشد که با انجام این تحقیق، راه برای پرداختن به آن باز شده است. موضوعات و پیشنهادات ذیل را می‌توان برای تحقیقات بیشتر در آینده مورد توجه قرار داد:

- بررسی راه‌کارهای کاهش اثرات عدم تقارن اطلاعات (انتخاب نامساعد، مخاطرات اخلاقی، هزینه‌های نظارت و اثرات مسئله‌عاملیت) در تأمین مالی اسلامی (مشارکتی)؛
- تهیه و تنظیم مقررات بازار ثانویه برای مبادله اوراق مشارکت؛
- بررسی ضعف‌های بازار ثانویه در مواجهه با اوراق مشارکت بانکی (خلق شده از طریق الگوی پیشنهادی)؛
- راه‌کارهای تسهیل مبادله اوراق مشارکت بانکی؛
- ارائه راه‌کارها و الگوهای مناسب حسابداری برای الگوی پیشنهادی؛
- بررسی آثار اجرای الگوی پیشنهادی بر رونق بازار اوراق بهادار.



پی‌نوشت‌ها

۱. در برخی کشورها این نوع حساب‌ها را حساب‌های مضاربه‌ای می‌نامند.
۲. خرید دین.
۳. ر.ک: سیدعباس موسویان، *ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربا ایران*، در: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی.
۴. ر.ک: داود نصرآبادی، *ارزیابی عملکرد عقد مشارکت در بانکداری جمهوری اسلامی ایران*.
5. C.f. Mohammad Nejatullah Siddiqi, *Banking without interest*.
6. C.f. Boualem Bendjilali, Tariqullah Khan, *Economics of Diminishing Musharakah*.
۷. احمد مجتهد و علی حسن‌زاده، *پول و بانکداری و نهادهای مالی*، ص ۲۵۵.
۸. محمدعلی احسانی، *واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی در ایران*، ص ۸۳.
۹. در سال‌های اخیر همه ماهه سود سپرده سرمایه‌گذاری بلند مدت به طور علی الحساب پرداخت می‌شود.
۱۰. محمد بهمند و محمود بهمنی، *بانکداری داخلی*، ص ۱۰۸.
۱۱. علیرضا شیرانی، *شناسایی زیر ساخت‌های توسعه بازارهای مالی و عوامل کلیدی موفقیت در صنعت بانکداری اسلامی*، در: مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانکداری اسلامی، ص ۲۷۶.
۱۲. همان.
۱۳. شاید عمده مشکلات بانکداری بدون ربا در ایران را بتوان در پیچیده بودن قوانین و مقررات، عدم آشنایی کافی کارگزاران و مراجعان به بانک با شیوه جدید بانکداری، کمبود نیروی‌های انسانی متخصص، مشکل نظارت و کنترل، کوتاهی در ابلاغ اطلاعات به بانک اطلاعاتی بانک مرکزی و استعلام از این بانک، عدم کارایی و هماهنگی لازم میان بانک‌ها در اجرای قوانین، رقابت ناسالم بانک‌ها، عدم اعتقاد برخی مسئولین اجرایی به عقود اسلامی، تصور عمومی مبنی بر ربوی بودن بانکداری، صوری بودن برخی از معاملات، مشکل تمدید مدت قراردادهای و گرفتن جریمه تاخیر، کوتاه مدت شدن تسهیلات بانکی، کاهش قدرت بانک مرکزی در اعمال سیاست پولی، عدم امکان تامین مالی دولت، عدم امکان سرمایه‌گذاری در ارز، عدم وجود آزادی عمل برای استفاده از وجوه و اعتبارات در بانکداری بدون ربا، عدم تعهد بانک در قبال زیان فعالیت اقتصادی خلاصه کرد.
۱۴. سیدعباس موسویان، «بررسی فقهی - اقتصادی بازار اقتصادی ثانوی سپرده‌های مدت دار»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۹۱.
۱۵. همان، ص ۱۹۲.
۱۶. سیدمحمود کاشانی، *بررسی حقوقی، چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲*، در: مجموعه مقالات هشتمین همایش بانکداری اسلامی، ص ۱۰۹.
۱۷. همان، ص ۱۰۸-۱۰۹.
۱۸. همان، ص ۱۱۰.
۱۹. سیدعباس موسویان، «بررسی فقهی - اقتصادی بازار اقتصادی ثانوی سپرده‌های مدت دار»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۹۴.
۲۰. سیدمحمود کاشانی، همان، ص ۱۱۱.

۲۱. سیدعباس موسویان، *بانکداری اسلامی*، ص ۲۰۵.
۲۲. در قانون عملیات بانکی بدون ربا، در بخش تجهیز منابع، هیچ گونه مجوزی برای پرداخت سود علی الحساب یا تضمین شده، داده نشده است. در این قانون، راه‌های به کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از جانب بانک‌ها مشخص شده و نحوه تقسیم منافع حاصل هم پیش بینی شده است. همچنین در آئین نامه اجرایی مصوب هیات وزیران و دستورالعمل اجرایی شورای پول و اعتبار نیز پرداخت سود از پیش تعیین شده ولو این که عنوان علی‌الحساب داشته باشد، ممنوع شده است. ر.ک: سیدحسین میرجلیلی، *مسائل بانکداری بدون بهره در تجربه ایران*.
۲۳. همان، ص ۱۲۸.
۲۴. علیرضا شیرانی، همان، ص ۲۷۷.
۲۵. برای تبدیل شدن سود علی‌الحساب به بهره، کافی است سپرده‌گذار را از قطعی شدن مبلغی که به عنوان سود علی‌الحساب دریافت کرده است مطمئن کرد. زیرا فارق اصلی میان بهره و سود علی‌الحساب، وجود یا فقدان عنصر اطمینان است. اگر سپرده‌گذار به طریقی مطمئن شود که سود علی‌الحساب دریافتی، حتی در صورت عدم حصول سود واقعی در عملیات سرمایه‌گذاری، از او باز پس گرفته نخواهد شد، در آن صورت، سود علی‌الحساب کارکردی دقیقاً مانند نرخ بهره خواهد داشت. به عبارت دیگر، اگر ویژگی عدم قطعیت از سود علی‌الحساب گرفته شود، دوگانگی بهره و سود علی‌الحساب به یگانگی تبدیل خواهد شد. ر.ک: سیدحسین میرجلیلی، همان.
۲۶. همان، ص ۱۳۰.
۲۷. سیدعباس موسویان، «بررسی فقهی - اقتصادی بازار اقتصادی ثانوی سپرده‌های مدت دار»، *فقه اهل بیت*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۹۳.
۲۸. همان، ص ۱۹۴.
۲۹. همان، ص ۱۹۶.
۳۰. همان، ص ۱۹۷.
۳۱. محسن خان و عباس میرآخور، *مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی*، ترجمه محمد ضیائی بیگدلی، ص ۱۹۷.
۳۲. سیدعباس موسویان، *ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربای ایران*، در: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ص ۴۴۶.
۳۳. ر.ک: همان.
۳۴. محمد منذر قحف، *مسائل کنونی پول، بانک و مشارکت در شرکت‌ها*، ترجمه غلامرضا مصباحی مقدم، ص ۲۸۸-۲۸۹.
35. profit-Loss-sharing arrangements.
۳۶. مسلم بمانپور و سجاد سیقلو، *مهندسی مالی اسلامی*، ص ۸۰.
37. profit-Loss-sharing.
38. Non-profit-Loss-sharing.
39. Farooq, Omar, M, Partnership, *Equity-financing and Islamic Finance: Whither Profit-Loss-Sharing?*, P 2.

40. D. Schaik, "Islamic Banking ", *The Arab Bank Review*, Vol.3, P 48 - 49.
۴۱. سپرده سرمایه‌گذاری در موارد ذیل از سپرده مدت‌دار بانکداری متعارف متمایزند:
۱. سپرده‌های مدت‌دار ثابت در نظام بانکداری متعارف بر مبنای سود عمل می‌کنند در حالیکه مبنای عمل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مشارکت در سود و زیان است.
 ۲. سپرده‌های مدت‌دار در بانکداری متعارف با سایر سپرده‌ها معمولاً در زمان سرسید متمایزند، در حالیکه سپرده‌های سرمایه‌گذاری نه تنها در سرسید بلکه در هدف سرمایه‌گذاری نیز متفاوت‌اند
- Ahmad, Ausaf, *Contemporary Practice of Islamic Financing Techniques*, p. 27.
۳. سپرده‌های مدت‌دار در بانکداری متعارف توسط بانک مربوطه تضمین می‌شوند و در معرض ریسک از بین رفتن دارائی و یا زیان قرار ندارند. در حالیکه در بانکداری اسلامی ارزش اسمی سپرده‌های سرمایه‌گذاری توسط بانک تضمین نمی‌شود.
 ۴. سپرده‌های ثابت نه کاملاً نقد و نه کاملاً ثابت‌اند. بسیاری از بانک‌های متعارف در مقابل سپرده‌های مدت‌دار متعهد به ارائه وام هستند. در حالیکه این در خصوص سپرده سرمایه‌گذاری صادق نیست.
- Ahmad Ausaf, *Structure of Deposits in selected Islamic Banks: Implication for Deposit Mobilization*, p 41- 42.
۴۲. مسلم بمانپور و سجاد سیفلو، همان، ص ۸۸.
43. Joint/General Investment Accounts.
 44. Specific Investment Accounts.
 45. Limited Period Investment Accounts.
 46. Unlimited period Investment Accounts.
۴۷. شایان ذکر است که هر یک از حساب‌ها تا حدود زیادی مختص بانک اسلامی خاصی است و ممکن است حسابی فقط در یک بانک اسلامی یافت شود و در بانک اسلامی دیگری یافت نشود.
۴۸. مسلم بمانپور و سجاد سیفلو، همان، ص ۸۸-۸۹.
۴۹. از این دسته عوامل می‌توان به نوپا بودن بانکداری بدون ربا، کمبود متخصص در این زمینه، حجم اندک تحقیق و توسعه، نبود یک چارچوب قوی نظارتی و حسابداری، فقدان ارتباطات بین‌المللی بین بانک‌های اسلامی، جهانی‌سازی و ... اشاره کرد.
50. Asymmetric information.
51. A. Kara, "On the Efficiency of the financial Institutions of Profit-and-loss-sharing", *Journal of Economics and Social*, vol. 3(2), p. 101.
۵۲. داود نصرآبادی و احمد شعبانی، «چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش ۱، ص ۸۶-۸۷.
۵۳. حسین میسمی و مسلم بمانپور، *چالش‌های پیشروی بانکداری اسلامی*، ص ۸۶.
54. Adverse Selection.
55. M. Omar Farooq, Partnership, Op.Cit, P 11.
56. Moral Hazard.
57. M. Omar Farooq, Partnership, Op.Cit, P 11.
۵۸. البته در صورت اجرای صحیح قرارداد مشارکت، نوسانات نرخ تورم تأثیر قابل توجهی نخواهد داشت و حتی شاید تأثیر مثبتی داشته‌باشد زیرا مثلاً اگر فعالیت شرکت، تولیدی یا بازرگانی باشد با افزایش تورم و قیمت‌ها سود بیشتری متوجه قرارداد مشارکت خواهد شد و متعاقباً نسبت هر کدام از شرکاء از سود بیشتر خواهد شد.

۵۹. داود نصرآبادی و احمد شعبانی، همان، ص ۸۸-۸۹.
۶۰. سیدعباس موسویان، *بانکداری اسلامی*، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۶۱. محمد مؤمن، «جایگاه اوراق مشارکت در نظام اقتصادی اسلامی»، معرفت، ش ۲۸، ص ۱۶.
۶۲. منوچهر ضیائی، *مجموعه قوانین پولی و بانکی*، ص ۲۸۳.
63. Tradability.
64. Negotiability.
65. J. Jusufović, *Financial Crisis and Islamic Finance*, P 79.
۶۶. محمد مؤمن، همان، ص ۱۷؛ مهدی هادوی تهرانی، *مبانی فقهی اوراق مشارکت*، در: *مجموعه مقالات دهمین همایش بانکداری اسلامی*، ص ۴۹.
۶۷. منوچهر ضیائی، همان، ص ۲۸۲-۲۸۳.
۶۸. سیدعباس موسویان، *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، ص ۲۷۳.
۶۹. سیدعباس موسویان، *بانکداری اسلامی*، ص ۲۷۶.
70. K.M. Dewi, and I. R. Ferdian, *Islamic Finance: A Therapy for Healing the Global Financial Crisis*, P 7.
۷۱. به مقتضای عقد شرکت سود و زیان حاصل از مشارکت متوجه همه شرکاست، نهایت اینکه به فتوای بعضی از فقها، برخی از شرکا می‌توانند خسارت احتمالی را پذیرا شده، اصل سرمایه سایر شرکا را تضمین کنند.
- سیدعباس موسویان، *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، ص ۲۷۳.
۷۲. سیدعباس موسویان، *بانکداری اسلامی*، ص ۹۴.
۷۳. همان، ص ۲۸۹-۲۹۰.
۷۴. همان، ص ۱۰۸.
۷۵. هلموت کرویتس، معضل پول به نقل از موسویان، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸-۱۱۲.
۷۶. سیدعباس موسویان، *بانکداری اسلامی*، ص ۱۱۰.
77. C.f. H. Rab, *Economic Justice in Islam: Monetary justice and the way out of interest (Riba)*, P 44-49.
۷۸. سیدعباس موسویان، *بانکداری اسلامی*، ص ۲۷۸.

منابع

- احسانی، محمدعلی، واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی در ایران، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۶.
- بمانپور، مسلم و سجاد سیفلو، مهندسی مالی اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۷.
- بهمند، محمد و محمود بهمنی، بانک‌داری داخلی، تهران، مؤسسه عالی بانک‌داری، ۱۳۷۴.
- خان محسن و عباس میرآخور، مطالعات نظری در بانک‌داری و مالیه اسلامی، ترجمه محمد ضیائی بیگدلی، تهران، موسسه بانک‌داری ایران، ۱۳۷۰.
- شیرانی، علیرضا، شناسایی زیر ساخت‌های توسعه بازارهای مالی و عوامل کلیدی موفقیت در صنعت بانک‌داری اسلامی، در: مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانک‌داری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانک‌داری، ۱۳۸۶.
- ضیائی، منوچهر، مجموعه قوانین پولی و بانکی، تهران، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، ۱۳۷۲.
- کاشانی، سید محمود، بررسی حقوقی، چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲، در: مجموعه مقالات هشتمین همایش بانک‌داری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانک‌داری ایران، ۱۳۷۶.
- مؤمن، محمد، «جایگاه اوراق مشارکت در نظام اقتصادی اسلامی»، معرفت، ش ۲۸، ۱۳۷۸، ص ۱۰-۱۷.
- مجتهد، احمد و علی حسن‌زاده، پول و بانک‌داری و نهادهای مالی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۴.
- منذر قحف، محمد، مسائل کنونی پول، بانک و مشارکت در شرکت‌ها، ترجمه غلامرضا مصباحی مقدم، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۵.
- موسویان، سیدعباس، «بررسی فقهی - اقتصادی بازار اقتصادی ثانوی سپرده‌های مدت دار»، فقه اهل بیت، ش ۱۷ و ۱۸، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹-۲۰۵.
- ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانک‌داری بدون ربا، در: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانک‌داری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانک‌داری ایران، ۱۳۸۳.
- بانک‌داری اسلامی، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۸.
- ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
- «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره»، اقتصاد اسلامی، ش ۵، ۱۳۸۱، ص ۵۹-۸۶.
- میرجلیلی، سیدحسین، مسائل بانک‌داری بدون بهره در تجربه ایران، تهران، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۱.
- میسمی، حسین و مسلم بمانپور، چالش‌های پیشروی بانک‌داری اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۷.
- نصرآبادی، داود و احمد شعبانی، «چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت در سود و زیان و راهکارهای آن»، مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱، ۱۳۸۷، ص ۷۷-۱۱۲.
- نصرآبادی، داود، ارزیابی عملکرد عقد مشارکت در بانک‌داری جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶.
- هادوی تهرانی، مهدی، مبانی فقهی اوراق مشارکت، در: مجموعه مقالات دهمین همایش بانک‌داری اسلامی، تهران،

- Ahmad, Ausaf, *Contemporary Practice of Islamic Financing Techniques*, Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, 1993.
- _____, *Structure of Deposits in Selected Islamic Banks: Implication for Deposit Mobilization*, Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, 1997.
- Bendjilali, Boualem, Khan, Tariqullah, *Economics of Diminishing Musharakah*, Jeddah, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, 1995.
- Chapra, M.U., *Money and Banking in an Islamic Economy*, in M. Ariff (ed.) Monetary and fiscal economics of Islam, Jeddah, center for research in Islamic economics, King Abdul Aziz University, 1982.
- Dewi, k. m. and Ferdian I. R., *Islamic Finance: A Therapy for Healing the Global Financial Crisis*, 2009.
- Farooq, Omar, M, Partnership, *Equity-financing and Islamic Finance: Whither Profit-Loss-Sharing?*, Upper Iowa University, 2006.
- Homoud, s. h., *Islamic banking: the Adaptation of Banking Practices to Conform with Islamic Law*, London, Arabian Information, 1985.
- Kara, A, "On the Efficiency of the financial Institutions of Profit-and-loss-sharing", *Journal of Economics and Social*, vol. 3(2), 2001, P 99-104.
- Jusufović, J, *Financial Crisis and Islamic Finance*, international university of Sarajevo, 2009.
- Khan, M. S., *Islamic Interest-Free Banking*, IMF Staff Papers, 1986.
- Khan, Mohsin. S & Mirakhor, Abbas, "The financial system and monetary policy in an Islamic Economy", *research journal of Islamic Economics*, 1989, P 39-57.
- _____, *The Framework and Practice of Islamic Banking in Theoretical Studied in Islamic Banking and Finance*, edited by Mohsin S Khan. & Abbas Mirakhor (U.S.A), the institute for research and Islamic studies, 1987.
- Khan, Mohsin, S, "*Islamic Interest Free Banking: A Theoretical Analysis*", in encyclopedia of Islamic banking and insurance, 1995.
- Nejatullah Siddiqi, Mohammad, *Banking without interest*, Leicester, the Islamic foundation, 1983.
- Rab, H, *Economic Justice in Islam: Monetary Justice and the Way out of Interest (Riba)*, Kuala Lumpur, A.S.NOORDEEN, 2006.
- Schaik, D, "Islamic Banking ", *The Arab Bank Review*, Vol.3, 2001, P 45-52.
- Uzair, Mohammad, *Interest free Banking*, Karachi, royal book company, 1978.

